صاحب امتیاز و مدیر مسئول ، داور این روز: شأمه پدون اقا شای کعیی پسرای کسی ارسال تمیعود عل اداره : طهر ان خيابان اسلاميول قيمت كاف شياره ٥ شأهي است

^ش يا داوا ثت يومنيه

کابینه آقای سردار سیسه اهسکیل

ما ورخلاف آ توالی که اظهمار تسجب و حق إس م كنند يدولت جديد كامسلا

یکی دو وزیرهم از د منفهون عامرهاو لند ..

مثل سردار سية رئيس الوزرائي ميورية جديت وكار المواهد غداه إلى المستعمل المالة المشارة

fact to the transition of the second

است - از معرب تا سحر و از سفیده نا خروب ... حميو دائيا ... متوجه ايناست كه خطور کلاه فلان رفیق را پس سرکه پگذارد این جلوکدی کد و ریاست آن را از دستن

یکید ا این فکر آلود. و این مادت طیف

. ١٠ واضع استك در همنو جامة خرابي یرای فکر غلکت و وطن و آسایش موی مسحكي عال وفرست الدارد ا

و ايران مرد بدرك ا علكت بازيجة دست همسایه ها است پجهنسم ا مردم از فقر أيان من دهند باسفل السافلين ! حبنك و حدال من و قائدین فلان دسته کار اساسی است . هم وقت رقیای من محو شداد -آن وقت أبراى ملت و مملحت فكرى

المنا للمينطور هست إخيرا و الأراد الما

﴿ إِيدَ ابن روبِهِ را دور الداخت . التوالا أزاع خانكي مختصر ولتي راهم ه برای ایران باقی ماندهٔ می کبرد و یکروز مللنت می شویم دیگران در خالهٔ ماحکومت

🐣 این میله را تصدیق می کنید

که صرف تشار از جهات حزبی تشکیل شده

١٩٢٢ على الادل ١٩٣١ (٣١) اكبر ١٩٢٣

أمره تلفون ۲۹۰

البانه مرعه مالات

داعله ۱۰۰ قران ۱۰۰ قران ۱۰۰ قران

فدا بیش مرل آر آل که بنا بود غب جمه ۱۲ دایم الثانی، و کول

غارجه بعلاوه أجرت بست

سانه رئاست وراء

حمه كس اوساع قدون ، درجه المنيتُ و آسايش ملت أو المركز قوأى علكت ر مبزان عقامت و قدرت حکومت را در سه سال قبل می داند و اوضاع اجلیامی و اساسی امروزه که نتیجه مستقهم سه سال زحت و حدمت و عدق مفرط این جالب به بسطانوای نظامی بوده است میبیند - قصور میکنم لازم نیاشد در این موضوع عامهٔ پنکارم ویرا نهزان سنجش مر جبزی هما قا عمل است : اکر این جالب کا امروز ازخلهٔ اسلاحات نظامی الحرا ف نورزیده و حاضر

اشده بودم كه واود يك منطقه وسبع ارى إز خدمات اجتماعي شوم براى أين بودة است که ایجاد امنیت در اطراف و اکنافعالمت و محو کردن آثار خود سری و طنیان ویسط المود حكومت مركزي در إلحاء دور دست كدور از مر جيز ي لازم كر بود ه است زيراً حري علكي بطرف أرقى و المالي لخواهد وقت مكر آنك يدور أمول أميت درايلم جوالب آن كوسمه يافته باشد و المار باين أسل روشن بود كم تقريبًا أذ سه مسال قبل بلا قردید به تعقب این موضوع اساسی برداخته با می قدا کاری و زحق بر د به تجهبز مقدمات امر فروع بنا آلکه بعدد اقد امروزه اسرال مر زبت و وسایل آسایش وامنیت كله فراهم و أساس مرج و مرج و أغلثاشات داخل بله سره نا بوه كفله أستلازم عد دویمین قدم را پطرف آرزو های مان که عیارت از شیر پال ف گرفس و ککامل است

مینی پر حمین نظریه است که این جالب با وجود کرهاری در اس الله عدى مفرطي كه در كسيقات و انتظامات فدوني دارم معهدًا خواست طداوندي و اظهار مراحم علوکانه و احساسات حموطنان وا در قبول زمام علک أستقبال کرده و در طی این عنیدة واسخ و حزم نایت میروم که یك مرکبه دیگر امتحان فدا کاری و عدمت سداوی را يه ملت شرافتهند ايران بدهم

البيعة مامه اخالي سبدا تند كه حديثه حمل فرح ادادة و أداده كايسم عقيده و بالاعرة از روى صدق لبت و حل أست كه مبلوان با جسراى مقاسد مكنولة موفق شد

ابن جائب حبسج وقت تا كنون ستقد به اظهار بك سلسه النساظ با رونق ولسي ماري از حقيدةت و جدالات متعدع ولي غير ملعقب إه صل أيوده و يبوسنه عليده داخله ام حسمة بواسلة حمل بهتر م كوان حقبابق وا منت كا به

از این رو پدون اینکه به عدوین نصول و فرایب مواد و بالجمله ذکر الفائد وكلمسائل كه شر مايه يد يخق أين مملكت و إسباب كثبت فرق ومايه عبات قلوب عوام محدوب أن خود منيادرت أليابم خاطر هموطنان وأ منتعمض أن كازم كه با اقتكاء " به ابت " بالد و محت عمل خود و به استقادار احساسات و حواتج عمومي

يروكرام خود را يدو جمله ديل محدود مي سازم (۱) حفظ حقوق مما یکت (۲) اجراء قانون

و قر خالمه از صميم قلب آرزو مندم حجه سميس آرين آمال و آرزوي من در شمن حفظ اصول مفروطيت و اسريع اقتسال على عقدس شوراي على و مساحدت امایند کان ملی در اجارای جوسلات فوق به مورد اجسراء و عمل

شوه نمنا باللف خداوند معممك و اميد است كه عموم هموطنان عزيز نیز بنویهٔ خود در پهشرات این عقیده قلیاً بمن کمك امایند 🛴 🏂

رئيس الوزراء و فرمانده كل قوا 🗨 وضا 🏲

اهبت بهانبه ـ رمایت این نکته که سنجات روز نامه ما باید حاری استام الربعي علمكت باشد ما را بدرج آن وا دار كرد با وجود آلك دوا ووز آگای رئیس الوزراء باتفاق آقایان وزراً بهمارت | از انتشار آن می کندرد

،ؤسس نظام حديد ايران كنم . قاكاه مثل ساعقه خيالي بمخاطرم عبود میکند : سردار شبه برای کی کار میں

برای ایران . يس اكر من هم در الجام وظيفهخود. سأعى و در محوطه كار خود حس مسلوايت داشته باشم بعني اموري كه يسمده من واكذار شده بأ منتهاي فدا كاري صورت بدهم يه عَلَكَتَ خَدِمَتَ كُرده أم و مثل أينست كه ية سردار سيه كمك لموده باشم • ...

. بله این منظره هیجان آور – این دور تمای روح بخش مها احریات میکند سدر الجام وظایف حدی از مینماید ام روز که من از جلوی میدان مشق عبور میگام یك روان كازه در من حملول مهمكند . جَرِيان خون من سريعتر ميشود - سڪوڻي حبات من أز نهاعای این میدان جدید

آچه سرمشتی و حداوری ا علاوه پرخدمت پزرکی که سردارسیه از حیث احرای قفون به عالمت سکرده از بردادتن آن دبوار خفق و سناختن طاق لیامای کنولی و طارمی حالی که با آن فمنك السني كرمه الدين وأرس الوزواصفان ما خواسته است بده مردم این معلم سرمشتي كار و ماليت و سي و صل بدهد قصدش بر این بودکه نیام افراد ملت حرکات ان معون را بيبند - قليمان بليش درآيد ا غرت و خبت و مبل بكار در آلها مهابد

> احارسوي اظمار تبريك

روز کنشته سه ساعت قبل از ظهور هدات ر در در در ما ادك (سفراي دول خارجه) بمنزل شخصي آقاى رئيس الوزرا رفقه و يراى تشكيل كايينة معزى اليه را غيريك كمفلند

امروز دو ساعت قبل از ظهر هبئت أردبيلوماليك برأى ابربك آقاى وزير امروأ خارجه بوزات خارجه خواهند آمد .

مدرفی کابینه در خارجه روز گذشته وزارت آمور خارجه کلکراظ هيئت وزراء رأ يسوم نهايده كان سياسي و وزرا ی عیار دولت مامه در خارجه

معرفی امود . و هدچنین بموجب مراسله رسی هیئات دولت وا بمدوم سقارت خانهای مقیم صرکن مدرقی قاموداد گذرف حضور

روز كذشته يك ساعت قبل از ظهر

صبح است ، جهار ساعت وليم يعلمر داريم - نازه المتاب طلوح كرده است .من مع بخياله كار خود از دروازه دولت بسبت دروازه فروین میروم . منعه ای سه روزدر این ساعت من این واه را باید طی کنم خيابان علاء الدولة كيام شد ١٠ داخل ميدان لويخانه شدم . اينك خيابان سيه . سدای شهیور وطیل - سدای بای نظامیان توجه مرا يطرف ميسدان مشق جلب مي

دسته دسته المناس ها مشتول اشق كردن هماند أ دراين وقت سيح - درموقي كه اغلب اهالي شهر دو خواب راحت المنا و هر حال در خانه های خود می باشند ـ این نظامیان باغیرت خود را برای انجام

منازقن المام اطلامي ادارم المسبلااي هم كه كرفه أم يدرد سردار سية تميعورد. إقسوس مهخورم كه چندين سأل عمر خود وا در ارویا سرف کرده ام و امهور امی نوائم اطلاعات و معلومات خود وا القسديم

خدمات بزرك رئبس الوزرا و كياقت مسلم آبشان را درنشار بکیرید _ قدری فکر كنهد أله بك دقيقه هم يفض هاى خصوص

اسبت بهلان وزير و اخراس كوجك شخص را یکذارید کنار 🗕 آن وقت یقین خواههد كرد ما بن ربط اظهار اعتباد ، نمى كنيم ور محض خوش آ مدا أبست كه اللي 2 to 1

وحود فوق العاده أبي كه ... برخلاف اللظارهمه - ازهيسي اظام امروزراساخته -هم میداند چه چکند و هم می طواهد کار بكنه المراجع المعادي الإ

· شيا مطمئن باشيد : سردار سيه ايران را نجات خوامد داد ۰ را نجات خوامد داد ۰

منظره ميدان مشق

حاند . جه منظره فرح پخشی ا وظیفه مقدس خود اماده میکنند.

ملاحظة دوسه منار الفر سرباز بالياس بك راك _ باحركات منظم وجدوسرورزيادى در بن توليد ميكند . يك احساسات حق شتاسی مرا پیزش میاورد - پرسردار سیه موجد أبن قشون ثنامي فرستم -

کدام وطن برستی است که در موقع حركت و هيور نظامهان علكت خود مثاثر نشود - قليش ازاد - عقيده اش بالب علكت مستحكم احكردد ا

إيش خود خبال مهدَّنم: من عِدُّونه م توالم باین ناجی ایران _ باین اسرداد نام كتك كنم أ 🛒 🏃 🏠

و آرایس محترم و اوالهای، آن را هیچکش امی ازاد آلت اجرای مقاصد یك دسته معيني إيكو يد .. همه بايد باين دولت قليسا علاقه وند باشهم و بران الراب الم

اليته چند الر از وزرا مكرر وزير شده أند و هیجوقت كرامتي نكرده اند -"

أولى ميس فكر كرده ايدكه و منفى ، اغلب بعث ميز وزارت مثبت مي شود ؟ هبيج خيال عن تنبه كه هر سنت عنام با

اخداش كودك - سألها است -الجان بر بان ما مستولى عده كه متوز مشكل است در امور پی خرخانه مناوت سیم . الله فكر يد يخت إبراني - حيجده سال

و فلان رقب رأ بجاء ببندازد _ ازوزارت

روح جامعة ايران را خراب كرده _ حمه با هم يد و دشمن و بالرجه في دشمن كا برای زمین زدن ممدسکر از مهیج نمیتی غفلت لي كند و شياله روز همه سرف يايوش

زبان صل ما - روی هم رفته - این المت: * * المناسبة ال

10 11

......

Second of the second second

🦈 اکر اصدیق می آنید باید ایام بدولق

كاستأن آمده الحضور والا حضرت أقد س ولايت عهد شرفهاب شدند وألا حضرت بس از اظهار ابریك موافقت كابل خودشان رآ با كايهنه حاضره اظهار فرودند

مقارن ظهر آقا مي رئيس الوزرا و آقایان وزرا پدربار آمده حاسه وزرا تفکیل و اسا سه ساعت بعد از ظهر المدا د

سين- آقايان وزرا بوزارت خالهاى خودشان رفته مشنو ل مراجعه أمورو ت

للكراف ثيريك بعنوان آقاى رئيس الوزرا و هبئت دوات بمركز واصل كرديد

مماون وزارت فوالد طمه يدوزارت خالمه آ مده و اسكليه أعضاى أن وزارت خانة خدا خافظی نموده مهروزارت خانه راهم در باكت عضوسي كذارده عهورا للحويل رئيس كابنه داد ندكه يس ازورود آقاى سأبي غرالممالك

آقاى عدل الملك از امروز درهيئت

گاکید حرکت

م ووز کدشته از طرف وزارت مالیده

روز کشته که بنا بود جلسه کمیسون فرعی قرار داد کدری ایرآن و /وس شکیل شود نمأينه كان روس بواسطه حاضر نكردن جواب لوايسح نمايندكان أبران معذرت خواسته

سبده استامروز شوساليج امادده معنار وس از راه کهلان وارد طهران خواهــد ً

وزرا مدعول رسيدكي بامور مماولت رياست

أسايند 🕻 ١٩٠٥ - ١٩٠٨ الله المايند

العدم التكال جلسة

ورود شوممالسكي

وزير فوائد فامه عحويل كهايند

للكراة باقاى حامى من المالك قاكد شد كه م جسه زود کرد بطرف طهران حرسکت

حاضر الكرديدالد جلسه أأكية موكول بالحطار از قرار الطلامي كه يسفارت روس

كود مازندران است سايقياً آثار و علائم النط ديد، شده از اينجهت اسم آلجا را

تغط حال تذارده الد إخرا بواسطه طفيان

قدمت عده شمالی را کمایت ایاید

از آذربایجان رابرنی بهیئت رئیسه المايشكاء أدتمه وطئى وسيدة است كه كايده اجناس که برای حل بنیاشکا، لازم بود، الهيه شدم إلى روز آلها را در عهر البراز بسرض الماش كذارده و بطهران حمل

هجنین از قارس رابرت رسید.است كه اجناس لازمه أميه شده و همين دوروزه يمركز ارسال خواهند امود.

بنا بر رایسرلهای فوق مبثت وقیسه المسم كرفتند كه روز بكشابه جلسة المكبل و روز افتاح نیایش کاه را پطور قطعمین

را بران ماهوت ابرانی

المهر وموم نشده ور دُو شياره قبل عبر ماخير داده بود كمنتدين ممارف ومالبة اليار هاى دارالفنون مهر قرموم كردة أند الله

ميدات خان نام كلاه مال بك ماهوني كم كاملا شيبه يهاهولهاى الكليسي است كَفِيهُ المودمُ لَهُونهان را يوزارت فوالدمامة البارها مهر وموم لعده است

ارسال و كفاضا كموده است كه سيصد كومان ومعار البه مك براى نهبه بك مقدار از مستوره فوق قمايند الله الله الله

و رسیدند به دالان ناریك دیگری آنجا كه رسیدند والمراس آهسته به بوارله كفي قاعداا أز روى نشاني أو ولك كاغذ يدوت كه در جاده الدهائي باكته بإيداطاق عيس يدرت ابن سمت طرف راست اطاق جهادم باشد يس بسمت دستراست معايل شدند باطاق جهارمرسيداد درب آن محکم بسته و قفل سکنینسی بروی آن خورده بود نفربيا ابمساعت طول كثيد كا بوسابل مختلفه

بالاخرد وارد اطاق شذند

ان بدرش خواب بود آهنا إروا ببدار كرده كفت: من ايريدر هُمهم بأياف المر دوست ٠٠٠ ته ارس إنابا

يدر يوترله يلاء كده ولى هنكام يرخاستن آهسته كفت : - أما من أنها أدرين قلمه نبسلم شراوك هلمس

بولرله باغتاب دوید پیجانب تحت خوابی که در

أحجات يتفارم مأكم منوازل ريامند هم اينجما

يدرش كنت : - امه دائم اوست ولي دختر

از طرف وزارت معارف بادارم نظميه ر قلمه بیکی توشته شد که از قرار معلوم حكومه عا يعنى أشخاس المبت يسه شاكردان مدارس تومين مي كنند لازماست إفراد يلبس و قلعه إيكي الدسلور دادمشود كمأنى راكه بابن ام اقدام كنند ينظميه و بمحكمه نظاى جاب نهايد .

معاف از کمرك

بكدستكاء مانين يشم ريسي كه برادران

يخواهد بطهرأن وارد تمايد ازطرف دوات

اشاكرد مدرسة را احترام كشيد 🔻

وأأودجه معارف بإبد حاض شود برؤساى وزارت ممارف ايلاغ ددك ، بك در حدود أخليارالي كه دارند بايد رجه زود أم يودجه اداره خود را ال هفته آکیه تعبهٔ و باداره محساسیات ارسال

مرسبون نكنيد ا أزقرأو مملوم إز طرف رياست وزواء پهوزراء دستور داده عده است که از تشکیل

كبييون و الدلاف وقت مردم و ادارات خود داری کنند .

ا بدولیت مراسه اقای رئیس مدرسه

روز جمه از طرف نظامهان مر باغ

كانتور

Incomplate PAY Y - Y

كالقور شهر أو يضميمه كاروانسرا أجاره داده ميشود طأايين در ليمجه حاجب الدولة بحجرة

داكمتأ ماؤور باشكومي داده شدة تيام وؤساي لتورى واشكرى حضور فاشقة الدحمين زیای هم نماشاجی بوده در خالمه سردا ر مكمران شرحي از زحات إفراد قشون المجيد و اظهار ودر دالی امود ، جندیس مرابه يسلامق أقاىوزير حاك هورا كشيده مادور

احار واحلير

ورود بكرمانشاء

است كه أقاى قوام السلطنة وارد كرمان

شاه هده و در کار گذاری مأزل اموذهاند

وايرت واسه أز كرمانشاه حساكي

کشویق و کرغیب از فم رأيرت مبدهاد كه آقاي ضياء الواعظين بمندر رفته مردم را بهمراً من با دو ات و اقایان حبیجالاسلام تدویق وکرغیب س لمابد

الله ورود جازه سوار الله پدوجب رایرتی که از خواف رسیده احت بنجأه نفر جازه سوار تفامي ازيرجند وأره منكان خواف غده الد

جاد رایرت واسه از فویان سای است جهار افر افتك جي شياله ابنجسه أمده و بخاله حمين غان نأم أينجه رقله و بدون مقدمه مثار اليه را باكلوله منتول كرده

والدراس كفت: - فهميدم اطاق آيي را

واد بس مر سه با هم بسمت اطاق که در آن مادموازل وبمند عبوس بود عنافلند در را باز كردند يدر بوارله بيش رفعة سلك را يسه دخير جيوان که از ارس می لرزید حالی حصرده و بانهای او را

إس مر جهار نفر او يه هاي مارت بالسين آمده در بائين والمدراس بجساف مستحفظ كه آنجا دراز به دراز افعاده بودم خم شده کفت : - عنوز امرده است و احتمال هم مي رود كازادة بهآلد

ووادلاكات : - آه ؛ الهيخوب بدودة بيكناه أست والمرأس كفت : _ جافوى من زياد كيز ليود و ضربت مهلك تيست

ابن بود اولین فقع بوارله و لی بوارله بابن قتح یعنی خلاص يدرش و مادموازل ربمند اكنفا نكرد بعداز الكه يدرش را بامادموازل وبعند بجأى امنى برداز آنها مؤالات منهد ديكرى دربارة أشخاس المدا الموده و در البحه جنبن سبرق ده كه لوين قلط مرساروز بكرايه

آلجا مي آمده و عصرها يا إلومايل مي آيد و صبح زود ها خارج مبشوه ودرهم دفعه ای کمی آمده پیش محبوسين خودمى رفله ولى در آنموقع لايددر فلمه نيودماست يوارله فكرى كرده كفت : ... لايد هما هائش آاجا حسائد شكار دردام است بايد آارا دسلكي

لمود يقوريت سوار دوجرخه آلشي خود شده يسمت قامه رفت اما قبل از آلکه بقلمه برود رفت امنیه قریه كرزان وأحبركرده باعش انر سواد إمنهه بهجأنب

الد از طرف فوچان ماءور برای تحقیق آخرام شده است

T mis

المبيه سأرق أز درجز رايرت ميدهند كه عباس أَمْ كُرَشْهِرْى سَأْرَقَ وَا دَرْسَرَ خِهَارَ سَوَقَ لَنْهِبِهِ الدوده بس از ان باعنی عدد دام که شراکت بأسارق مزاور داشته است إمشهد اعزام

. . قائلين مقلول شدند از شامهود رایرت میدهند که درس

سیر مراد نام باسدری از سیان رمضان باسرى مقلول إراى بردن يكدسته شترر منان رفله بوده است شيروان وشديد على قاللمين رمضاني أطام شده جلو كبرى، بنهايند در للبجه زدوخورد بين ائهما شيروان وشير علىمقتول

اشرار يلوج

ر رایرت واسله از کلات حاک است ک بكمه ازاشرار يلوج از دريندر خواجهواره خال ابران شدة دوعله كوسفلد كه يحكى متعلق بمرکضی خان و بکی به پسر ناب علی اكبر بود برده الد اظامبان بحت الجه جه اشراد را عقيب كرده وأن البيجه المرفتهو اعرار را ندیده اند

المحمن وشكابت المدادات

از قرار رایری که از سراب رسید یك عدد از رطای اطراف سراب بشهرامده أول در مسجد عمع و عصر بطكرافضاته رفته و المكراف مغملي بمقامات طالبه عرض نمودة إلد كا جند ورز ات ماورين ماليه مطالبه باق دوازده ساله میکنند درسوونی که مبعلي داراي بك شام لبست ودرظرف ابن جند روز ميكويند الميلوانيم يول للكراف راازين خودمان جمع نموده يدعيم كالكراف عابره شود

اللمنابات ولابات

سيد عيد لحسين

هدان

این عرایه ها در خیابان نولید میکنند ا أراء مستخرجه از روز ۲۹ میزان باستثناى روز جمعه دوم عقرب كم كسابل وردكا إمروز ظهرة جهارم عقرب است از شن برای قرش و الحاسح ان بکار انرد . جهار مندوق شهری و یک قست از duplication of the description . Call صندوق عدا بنده متجارز أز هدت هسزار رای داشت اشخاسی که دارای استخریت

هسطد از قرار دیلند عاجى مفرزا عبدالوعاب ضياء الملك طياطيائي هددالي مخبر حضور

ابن خيابان جه مبرخواهد كه سه سا ل است آلها رأ محكوم به الأراحق نموده . خلاصه _ قيل أزورود مستفاران إمريكاأي اهالي خباً إن خالقاء شرح ذبل را به كهبل ديروز شتن ساعت بعد از ظهرمدت بلابه فوشتكد: ما يوجون التخلف حوات المية

دادن لعرفة بموجب أعلان أعضاى النجسن الخار منقشي شدة ١٤١٤٣ ورقه المرقه فادمأالد أمهوؤ جهأر يغلهر مالده شروع باخذ آرا نموداد

نظأرى كه بالمفرامين و جا جرم و شلمقان رفقه بودند مراجعت كرده مقدرو است که از امروز در انجمن نظار شروع إستخراج ارا نهاينه

پېښورد

که په مجاورين ان شرر و صدمه. مادی و أنا إد اخلاق وسعى وارد مباورد در خارج شهر ١٠ور القضارات در جربان است قريه كنا آباد مانده كاهبأت أظار ميروند

مرقة يدهند هشاسد المرقة هم خيرت كاخك

قراء براكو، قد سلادة الدكة أ دوروز

دیکر آنها بر میکردند نون تمام شد

طيس و پشرويه هم از قرار اخيار واسله

اسد أباد

باخذ ارا نمود ال عصل جهار صد وينجاه

وسه رای اخذ امودند

أنجمن نظار لفك ل از صبح شروع

سابقامهن شد اراء كأبه نقأط حوزه

ديروز جمين از اهالي باداره حكوني

يله شكات از اللخابات دشتستان وصلدوق

آراء آلحا نموداد كه يقهديد و الحديم

بعض اشغاص در آنجا اخذ اراء شده

است حكومت اظهار داشت اكر منداركي

واردات اداري

آقای مدیر سکر جه منزل شها در

ليابل سفى على شاه است ولى من أوخود

يرسم أيا عيور و مرور شيا از خيابان

غانقاء است با خير . اكر كذراك يه ايسن

خيابان افعاده است البعه كاربهاى بلد ى را

قبل آز ظهر و دو مراتبه بعد آز ظهـر -

شمت و چند عدد دو جرخه از اسطبل بلدیه

كه مكانش لعلق به اأظم ألدوله خربزى داره

خارج مبشود ۱ کر بدانید چه مدای آمهبی

كثير العبوري است كه بلديه نأ يحال بكبار

خياً من خالقاء ازان خابان هاى فشاك

وقتي ساعت باج بظهر مانده ابن دو

جرخه ها خارج ميشو لد لهام خاله هاى خبابان

بلرؤه در مها بندالمان از زندکانی خودهبزار

مبشود . اكر كس عصباً لي إشد قطعاً هبسترى

معلوم ابست اداره بلديه از جان صودم

مقام محقرم كفالت بلدية أبرأن

الد وسایل اُسایش و رفاهبت خودرا فراهم

سازاد مبادرت بقاسيس بلديه تموده الدينا

يراين يلديه من شهر بايد هم خود را فُقط

صرف رفاء اهالي ان يتعابد.

م موقع که اهالی شهر می خواسله

روزی جهار مرابه - دو مرابعه

ملاحظه فرموده ايد

داريد ارائه دهيد

درجز واسل وقراات شد عنقرببا تخابات

شروع كرده ألد

مأأسفاله ابن نكشه مهم درمحهدوات لهران منظور نشده و أسطيل دابر أنظامات يلديه در خيابان خانقاه و در وسط جميت قرار داده شده است .

أعلاوه براثولبد مكسو كثافأت وابخره كه قهراً از يك اصطبل بزرك حافث ميشود وزى جهار موانيه رفت وأمد دوجرخهما و مرایه ها مرسه را برط ساگنین خیابان خَانَةَاهُ لَنْكَ كُرْدُهُ كَذَّتُهُ أَوْ ايْنَكُمْ سُورجِبَالْ سبورها أي كه در اصطبيل منزل داراد المامأ داراي حسن اخلاق ايسللند وهممايكي

ابن جميت از جندين لقطه نظر مطاوب

بناير ابن أمنى مى كنهم مقررفرمائهد اسرغ وقت اسطيل منهور وا از خيابان فانقاء بمخارج شهر ويا به نقطه که عمل مكنا تداشد انلقال دهند .

امين التجار أسفهاني - مكرم الساطنه كأشف السلطنه في محد جمفن قاحار في سدية. أعلم . حُسْن وثوق دكتر حبيق قل خيان قُزل ا باغ وغيره وغيره

اقای کنیل لدیه به نمایند، اهالی يا إلى فر. وده بودند كاكر بخواهيم اسطيل بخارج شهر أتققال دهيم مامي ينجاه صت اومان اشافه بودنيه بيدا على كنيم زيرا الصورت عبوريم دو مكانهرای اصلیل در الله بحکیریم و این برای ما مقدور

. اقای مدیر

اكنين خيابال خانقاه بيش از ان به امكانداشت أحمل كردند. اينك كه مستشار مریکائی آمور بلدی گیران رأ اداره می عند أفاضاي مابق خود را الجديد مي أنند و اميد وارته مراكي كه معروض عد رثر واقع شده توجهي شطوف بشود كه الدرى موجب كسكين خاطر أهالي ابن خبابان

ور ضمن امنائه عصوص دارد ام بدرج ابن مر يضة فرمائيد تأ شايد بيشتر رقت مستشأر محقم بلديه بابن مسئله جلبو رفع زحمت از ساکنین خیابان زود کر پشود

فلاضمطبؤعات واخله

بكي از ساكنين خيابان خالقا.

ابران - ٦ عفرب الله الله

عابنه حديد آقای سردار سیه با مان جدبی که از إيشان انتظار مهرفت روز گذشته بحضو ر اعابحضرت هابوني سرفي و از امروزدوات جدید شروع بکار خواعد گرد .

پېانېه رئېس مخترم دولت مملومهدارد در بلاد فرنك بدلايل كه برحضر المالي كه ساختيان كابينه از الطه نظر حفظ مصالح أ مساور نبست اسطيل و كاراؤ وكلم موسساني | علكت و أجراى قوانين داخلي است

بِعَأْمُنَى دُولَتُ حَاضَرُ رَا بَابِسَى اسْتَقْبَالُ وَا

امروز وطن برسعي و علاقه بمملك أيجاب مبكند كه عموم طبقا ت در كلويت افكار و نقشه هاى دولت آقاى سردار سبه ما اعدت نمایند و بهمین دایل بوده است که آقای رابنی الوزراء در بایان بیانیه خو از عوم وط-ن پرستان آنانسای شملک

٢ عةرب ١٣٠٧

كابينه حديد از كذ كاراين الكله الكزير حسليم

که با این خرابی ادارت و وضع درهم ریخه شكيلات مملي و با ابن اوضاع وقلصادى هیج دولق می آندازه بفقدر و جد ی و صالح باشد نمي تواند به الهالي و بدو ف کُه و مساعدت عومی این کشی شکسته

رأ به ساحل لمبأت برسائد الله امروز وطن پرستی و علاقه بعملکت ایجاب میکند که هموم طبقا ت در گاویت افكار و لقفه هاى دولت أقاى سردار سيه ساعدت نهایند و بهمین دارل بود ه است

، آقای رئیس الوزرا در بایان پیانبه خو ه هـوم وطن پرسلا ن الانسای کسك مبيده در مواقع مشكل در هه جاي

دنیا منه حزب و دسته و طبقه از میان میرود و انها منافسع مملکت قدر جاسم و مشترك بلف سلق مبشود . . .

عنق -رخ

الم مرود مغرب روا حفظ حقوق علكت - أجراء قالون يبانيه اقاىرئيس الوزواء روزكدشته يتعفر شده والبته همه أثرا خوائده أثد این بانبه از یک دماغی کراوشکرده رود که از گورمالیته بازی به کنا آمده و ارد با کار و حسل سرو کار داشته

بروسكرأم أو خيلي مختص ومحدود

١ _ حنظ حقوق علكت ٧ _ اجراء قانون

منظ حقرق علكت يك جله مهم و باعظمتی است که ا کر به فاد آن عمل شود بزرکترین قدی بطرف عظمت و قدرت بر

اجراء قانون ﴿ إِكُرْ صَرْدَارَ سَيَّهُ بَايِنَ وعده خود وفا كند يك قدم يطرف نظم و للماق و مهميلين برداشته الد

، در ابن سورت لهام طبقا ت با يك

اوضاع رابن للد أوضاع رابن أند هنوز كاملا روشن لفده ولي آنجه مملم أحت أبن أحت كه ميارا لبست ها بامقار مقهائي اسأدف مي كسنند عتصر القلابي در اكس لا شابل به وقوع پېرست ـ و ملاون با گېزيهخواهان ودو طورد حالی څر خارات عمومی تعروند 🐰 جي در نهيجه اين زدو خوده انقرل و

رابورت وأمله حكى أست كه كر فلا ودنت سيارا البستها افتاده است - وامروز يقد أز ظهر يليس را خام سلاح أموداد

اخارفارضه

بلكرافات رولر 👙 💮

10 V ...

باریس ۲۶ اکتبر نه قدوای فرانسه معبق وا که نهایشات خد سیار البسم میدادند المعزية خواهان آلمان

مساعدت فرالسه باسيارا ابستها

كالاشتر ٧٤ اكبر - رايورت واسله حاکی است که ۱۷ نفر اجزیه اخواهان در فلا مقلول و ٥٠ نفر ازجروح شدند -این زدو خورد مدت سی و شش ساعت رعمارت كزفلا وأقع شدو بليس أستحكاماتي رای خوبش ارتیب داد و سیم خار دار للب نود المراجع المراجع المراجع المراجع

» « روسیه و هندوستان » ، ن لندن ۲۰ اکتیر - ماور وترال سر ارل تربساد در شمن بك ملاقاتي كه از و پس از مراحت از انقره پسل اسه اظهار داَّشت كه مقار آلبه ملطل أست در ظرف بهست سال البه عبنسا حان لهديدأت مابق روسیه را که در جوانی وفتی دوجه سلطاني داشلة و مامور سرحه جليرال بوده ست مناهده لموده مجددا مناهده مينسايد دُولت الكابس وقت خود را سرف صلبات طهران تموده و فرصعی به باشویکها داده كه لخم القلاب را در هندوستان بكارند -زيراً روس ما كاملا احساس كرده الد كه تها مانم يبشرفت مرام الها دولت الكاستان است و راه درهم شکستن این آمسیراطوری ورك أحددوسان است أبن مسله ابر مسلم أست كه بالدويكها براي لحكيام روسيه هان سياست سايق خويش را نسبت بهندوستان ازسر خواهند كرنت أيلك الاقياما باعتمالى نصف فلع را نديب ماكرده است

اعلان جهوريت دوسندرف ۲۵ اکتیر - سیاراکیستها ور جدين شهر اعلان جهورويت داده أند منجمله شهرهای امرکسیار - سودن ، وتیر شهرهای بادن - رودشیم وژنسیهم - آبزدر هبجان شركت حسله الدن يهد ماجي بيدوه رُيُّ أَنِّ مِ القَلَابِ بِوَالَّنْ أَنْ عَالَمْ فِي الْهَارِينِ

﴿ آَلُنَ ٢٥ اَكْتَبِرَ ﴿ جَمَعَتُ كُنْدِي أَزَ سردم که چندین مزار افر میشداد با بیرق هاأن از کوچها کردش کرده وایابشال ر خد حکومت میدادند ـ پلاستیر انطق**ی** ^س دارقهايي وزارت خانه خويش إيراد كسرده اظهار داشت که دولت با لهایت ثبات قدم. پروڪرام خويش وا تعقيب خواهد کرد و نهایند کان ملت را معین میکند - دولت يدون هيجحكوله ملاحظه فأندبن وسردسله های طنبان را النبه الواهد أدود ولما

سنكاسراني

از عملیات آدسن لوین كاليف: موريس ليلان الله الرجمه : عمد على - كلشائبان

كفت مى كرسم زيرا كا هاوز شرب جانوى بدر ودر من تأثیر خود را زائل نکرده است ۰۰۰۰ بدفکری كرده كفت كه اهميق ندارد من آيم حاشرم ٠٠٠ پرويم ٠٠٠ و الرأس دست بوارله را گرفته و با دست مالی ازدالان کاریك عبور شودند یك چند قدی كه برداشتند يُولُولُهُ أَوْ دُورُ نُورُ ضَعِيقِي مَمَاعِلُمُ كُرِدُ وَ وَلَلْرَاسُ وَا هم مطلع أمود والراس ديد راست مي كويد أور جراغ هُستی خَوجِکی از مبان شاخه های درخت بدیوار عمارت ملصل يوداند ببدأست إس من دو سأفر شيانه درجاي خود ایستادند و پدقت نگر بستاند در از دیك چراخ شخصی را دیدند که آندی بدست ایستأده است

شخص را بهمدیگر خبر نداده بوداد که در روشنائی ضميف جراغ إوارله و والراس ديدند كه مستحنظ للنك خود وًا بِدُوش كَرَفَتُهُ و بِسَمَتُ أَ نَهَا قَرَاوَلَ رَفْتَ بِ وارله نا ابن را دید فورا خودرا برمین انداخته

دو افر ان به ان واقع شود می شنود/ بعد ال کامجراغ خاموش شد و صارای بدن کسی که پزمین اُفتاد ۰ - آِ۰ بوارله بيش أز ابن سير كردن را جابز لذا استه بكمك

> يس بله هار إكه در آخر دالان وأمَّم بوء كرفله. بالا رفتند و دوطیقهٔ عمارت را در کاریکی پدون آنک

يولرك برسيد : - شيا مي داايد اطاقش

والراس بابولرله لوالسائد قفل را يشكند

جان . . . بلند شو وابدًا صدا الكن و کانی مار هم محبوس مبیانشند

to the Herrican place

ا ولى طولى تكشيدكه سكوت و بيحر اسيمافرين شياله مستحفظ وا بخيال الداخت كه اشتياء في سكند پس افنك را ازدوش بااین آورده ولی سرش معویهـــه

اوارله كفت : ديكم كا ا

والمرأس رفت دید صدای نأله پیکانر شنید/ شد پیست

شماع ماء أز ينجره يله كان به دالان كاربك تـــ/ويه. آلجا را روشن كرد يوثرله حماب كرد ديد يعد /ز ه دقیقه دیگر ماه پروی او می نابد و یکلی و سدا و آشكارا خواهد شد ابن اضطراب اورااز وحشت مشرف يدوت ساخته يود عرق أز يبدأني أو مربعت و انس

والداس الداخت كه بيهند او در خه حال است اما جهز غريب والمراس درااريكي يروى زمين مي مخزيد وجلو می رفت و کم کم بعدی بیش رفت که خود را ازدیسك به مستحفظ که نزدیك جراغ بود كرد چه موسطواست يكند ؟ مى خواهد قرار تهايد ؟ يا يجنك دشمن برود

خَى كُرُدُ مَثَلُ آلِكُمْ صَدَّاعِي أَرَاعٌ وَ نَجِنِي أَرَا كَهُ إِبِينَ والراس ازروى مستحنظ باند شد. و آحسته كنت ت

صدائی بشنوند یا آثار جنیده ای ایراند عبور کردند | راست

قشنکی رَا مَن جَنَدُ دفعه دَر حالیکا/سرم را از پنجره اطاقم پیرون می آورم دیده ام که کامی هم او بسن

بوارله من جلور الم

احكاناً : ﴿ ﴿ إِلَّهُ دُو حَمِينَ ﴿ وَالْأَنْ سَمَتَ

حاجى سيد محمد علوى وحوح فرمايند سرل خشمه نفطی بیدا شده که انظ انجاری و أهالي القطير الكردة إستدما ل أموده رفسع حاجت مبنهایند حکومت ماز ادران قضیه را برزارت فوالد مامه رايرت داد ، و الناسا اسدالة زاده إسفهالي خريداري نموده و الموده است كه مهندس و عملجا ت بجهت استخراج كامل اعزام دارند و حدس مي از ایرداخت حقوق کمرکی معاف کردید. زنند كه اين قسمت نفط ميتواند احتبا جات

﴿ ﴿ اللَّهِ اللَّهِ عَلَاهُ اللَّهُ وَطَنَّى

آقاى آقاموزا سيد محد عبديهيهالى که برأی ملافات و دِــَدْيَرَأَتْی لَاقَايَانَ عَلَمَا و حجج اسلام جندى قبل بقم رفته بودند مهاجمت نموده وارد مه كر كتداد

> آقاى حكم الدوله وزير مكأرف كابينة سابق نبز حسب الاحضار هيئت دو/لتسابق مراجعت المودم وأرد مركن كرديد/ انتخاب مهلدس اظر باینکه اداره نیت استاد ورای

فاردید املاکی که باید ایت دفستر شود دو ر مهندس أز وزارت فوائد ماله خواسته بود ووز كذيه وزارت فوايد مامه آقايان مهندس الدولة و مهندس السلطان وا النجاب و باداره ثبت استاد معرفی اموده سکه در موقع احتباع به أن آقابان مراجسه

The Court His حِثما أنط 🌞 🎆 💮 يُدُو قُريَهِ مُفطَّ عِيلًا كَهُ الرَّ قُراهِ سُواد

لرزان خودرا درسینه پنهان میکرد/ دقیقه ای گذشت بهجاره بو ارا نکامی و ان

بوارله ای اوانت حدس بزند ولی در ناریکی

زود باش · · · پرویم ·

اشاراكي نموده است

ids of Tecris

حبه دقابق وحشت ناکی بر بوترله کذشت / یك

ا أيا ابن مستحفظ أ نها وا ديده است يا نه ؟

و بشت کامان بزرکی که در آن درخت اسیمهٔ بزر کی كاشته شده بود خودرا مخفى ساخت ويقسى قلبش مبطيهد که کوئی ازسینه اش میخواهد خارج شود

خداحانفاي

وزرا خواهند يود

وورله در ناریکی با سندای آهنه و لرزان

بوارله و والراس مى دانستند ولى حسور ديدن آن

المكرافات كيريك روز كذشتة أز اكـــثر ايالات وولايات

عصر روز كذشله اقاي عد ل الملك

ا بس بر کشه - کفت جرا نمی آئی ا

حضور در دربار

لسبت بسربازالس كه فسربب خورده و أز راه پدر رفته الد محیت خواهد ندود 🦈 هیأت وزراء طهران 😘 😘

طهران ۲۵ اکتیر - سردار سیه وزير جنك را شاه أحضار و باو ككايف تشكيل كايمنه را كرده است ـ الما : امشب برای تمیین زد باقیول مهات خواسته است الم المقدمات كهيه يك تهايش بنام اسلام و ایران بر ملیه الکلستان پسرای روز ۲۸ ماه جاری که بوم ولادت بهتمبر است فراهم میشود - محل نیایش در خارج شهر خواهد و جمعي از عهدين نماـق خواه د کرد _ هبحکونه هبحانی انقال تميرود زيرا حموم را دعوت بحفظ التفارام و شكوت كرده أاد

گوت کرده آند شهرت دارد که شامیطرف اروپاحرکت

مقب لشيني سيار البست ما

حدر واسله بهائير حاكم است كه سياراالست غالب شهر ها را مخلية كرده و پیارف متعاقه پازیك مقب نشسته و در آلجا لهز اعلان جمهوري دادنالد

عيسر بسروكسل حاك است كه يابس آلمان مسارالست ما حله برده إداواترا

ولي يدون موكليت ـ دو نفر نجزية خواهان و ۵ نفر بلیس مقلول شداد

وسيم إريس عنبانی - علی ملی کید آنده أعنا في كا بيه في بيك وا يدبرقه

السان - آرامش و سلوات كامل در شهر (كويلالس) بايتخت جهوري سجديد و تُوقان) محكمتها است المستحدد ا

حكومت (رفان) در كعت رياست (ماسي) عمليل كرديسده ، مسيو (وق معسني) يا ورود دكتر (دورين) موقة يست وزارت امورخارجه وبجارت اعهدمدار خواهد بود

ورواء دیکر از قرار دیل است : دكتر ويستراموف لىينك ممارف فوالد مامه وغره دكتركرس كعبش كالوابك و لهابنده دكتر (دوران)

وزارت كلكراف وزارت عدليه ا **گلاحت و ارزان** بیار سيدون ا

حرائد سيالية وزيرماليه جديد را أشاعت داده ألد و مشار أأيه صدو ر يك میلبآرد بول جدید طلا در نشل کردنهاست أين يول حدود إز منا بع فيدل در يانت خواهد شد ؛ اولا أز صرف لجديدالس كه راجع باسهام خارجی در بازار الیان شد . مُوم أَرْ وَثَهِلَهُ كَذَاشِلُنَ أَمَلاكُ شَخْصَى وأسهام

دراواحي اشفال شدة المداد مستخدميني كه جددا شروع بكاد كرده الد از بكسدو هشت هنار نفر كجاوز مي الهايند .

فارغ التحصيال از دار الفنون و لو

اعلان

مهمانخانه اقتصاد ـ طهران دروازه قزوين الداراى نمرات منفام و مهاب وجراغ يرق و طوب ژيمناستاك و قدراأت خاله و كلاس اكابر ورستوران نفليف وانواع خوراك

از مسافرین و واردین ریس قیمت سأير مهمان خاله ها دريافت مي دارد ال طرف داران اقتصاد و ساحیان عقل شاش نقاضا می شود یك دفعه هم شده نشریف أورده ونحبت أقصادي والمعاهد فرماشد ي نفره العلان ۱۹۹۰ 🎋 ۹ 🚐 ۱۹

المايك أقادان

های ایرانی و فرای می باشد

خبرواسله حلى است كه جندبن حوادثي

توسط ببكاران در (رور) بوقوع ببوسله

است در (اسن) (دوسادوف) و (بوخوم)

قشوق فرائسه برأى انتظام احضار شد م

بوداد بر طرف اهالی نهایت خوشحالی و

حوما قشون فرانسه در حنظ انتفاام دخالت ندی نیابند مکر در موایی سکه از طرف

پلېس های المان اظهار عدم قدرت از جلو کړی

مذاكرات راجع أبحدل دوغال فبهابين

ما ورين اواحي اشالي و دستجات (اشتين)

الهابادكان كروب مذاكراتي با مامورين

در اواحي اشغال اشدة المان اعتصاب

خومی که در (قرانگفور) در احت قدار

كموليست ها إرقوع بيوسةــ إود ببشرفت

ادر بل بن قامی که در این دور

بعمل آ مده است بلبس المان برای رفع أن

اقدامات لازمه را يعمل آورده و در الابجه

دو افر مقتوله وجهار الفر بطور خباي سخت

جروح كرديده إلد 🛴 🖓 😘 🗞 🔝

الكردة است 🛴 🔆 💮

فرائسه شروع تموده أأند 🔗 🚣 🚉

مسرت إممل أمده أست .

غارت بنيابلد 📉 📜 🐪

و (وکار) جریان دارد

مهندس در ما شهمبائی و معادق (سويس) حاشر أست الحقيقات فني در مسائل راجمه بلجزيمه و أسلخراج معادن السيسكارخانجات والهبه مواد برامي تقركوله

آ درس : روهروی وزارت جنك منزل آ قای دکتر اقایان آمره املان ۲۹۰

اخطار

خیل فرارت داخه روز های بله دنیه و جهار دنیه از در ساءت قیسل از ظهر آلى ظهر در ووارت خانه از واردين پذيرالي خواهند لمود -سایر ایام بدون استناء از ملاقات معنورقد کایله وزارت داخله

املان مظت.

معلب أين جالب همه روزه براى بذيرائي مهنى بازوهه كوله مريض بذيرائيهى شود و از سيم الى ظهر كوسط آقاى دكتر افعل اللك كه اخيراً از اسفهان مراجعت المُودِهُ أَقِدَ مَرْضَى وَدُورَالَى مَن دُوقِدُ لَكُ فَا يَعَالَى اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ

از دو الى ينبج بنسد از ظهر إديرالي مرشى بنهده خود ابن جالب خواهند بود فقراء واقمي عاماً ممالجه مي شواد آدرس - خيابان اسطخر حسن آباد المره ١٧ ﴿ ﴿ ﴿ وَهُ الْمُوالِدُ عَبْدُ عَبْدُ الوَعَا بِهَالَ

كاغل ف ششه عكاسي

همه كمره كلفذ مات و "براق و شيشة مال كار حانه (لومير ژوكلا) حديدا

نمره اعدلان ۲۹۱

دوا خاله عمده فروش لور وإرم لمود· كارت يسكال ليزمال لومرموجود است

تدره أعلان ١٨٨٢

- Y - 1

سالاك

حب ثرك ترياك

دیگر هیچ لزون تدارد که ما از حب های خود تعریف کنیم رجز خوالس

هم امهکتهم حب های ما صدق حرف های ماروانایت مهکند در این جا فقط ما خهوقتهم ا

که بك عدة از لوغ بشر را از این مرض مزمن ر موزی اجات داد . آن ما را ان

خبودكي دالمي خلاس كنم جنان جه معنادين مايل بقرك باشند بدوا عانه بسعور رجوع

فرمایند و بعد از کرک آن ما را از اشکرات خود خفتود فرمایند

ظاله يغروش مبرسد " يك دفعه تجربه بهما ثايت طواهد كرد كه با روغن زيهون ثاره سُحيح دواخانه باستور سالاد أن جه لذلي خواهد داد

بشارت به متلایان سوزاك

شفاى كابل با استعمال حب هاى البرت

المحارب متعددی کسه در این اواخل در روی خواس قبر بولوژیکی شیمیاوی اسانس سانطال خالص بواسطه بروفسر ها و دانشدان فرانسة شده ثابت مشود كــه اركبيات او ادلين دوائي احت در مالجه إمراض مجاري ادرار يخسوس اين كيسول های مرکب با اسانس سالطال خالص وسایل و فورمین و بلو دو متبل کمه با دقت و احتباطَ فَوْقَ اللَّمَادِهِ دَرَ بَارِيسَ دُرَسَتَ شَدِهُ وَ مُوسُومُ بِنِحِبِ البَرْتُ مَنَ بَاشَد بِهَرْبِن فركاب معروف امروز است كه در معالجه خوزاك خدمت بزركي يعبللايان اموده و در الدك مدني الها را از راج سوزاك يدون عوار ش ديكري اسوده و شفاي كاللي ميدهد قدر خوراك از شش كيدول كا هدت كيول در روز م اوان خورد اسره اعلان ۱۸۷

شركت مطبعه مدرن

عالى ترين پالتو بار انى را مغانه پارسى لر خيابان لاله زار براى شما تهيه نموله

O V OMALTINE

آقای محترم شیا وا خابل قوی وسالم

أه ! خير ضميف كل إذ شما بودم بس جه

وله من مدنها ميتلا إسوء هضم يودم و ميل

يقذا هبيج لداشتم و فوق العادة ينوست مرا

مها باستعمال اومالتين هدايت كرد طولى المشيد

بهرين أفدة المباح ات مدد مدر

حال دوست حزيزم فورى إدوا خاله

باستهال آن أمانيد كا يكل كاك عما

لمره اعلان ۲۸۱

رفع چاق و فریه شوید





عالم محترم - حرا شدا ابن قدو ضیف و زرد ولافی شده اید ؟ جلدیست که يس از وضع حمل بحال خود ليأمده خوام كم شده يسعالهايم شير ندارد بكلي از كار خانه باز ماندم پواسطه بن قولی نی کوانم حركت أنم الليم زياد ميزند أفوا هاي زياد أستعمال الموده يهيجوجه مؤتر وأقسع المده أن خواهم مزيزم بنده از شما يدكر يودم دكتر نجويز كرد اوما كا.. بن استعمال مايم حال جنديست مشفول اومالين خوردن اعتها خوب مزاجم سالم بحمدالة سنيد كه ملاحقه مي فرمائيد در ضمن أطفال خود والومالتين مبدهم كه براي استخوان يندي آلها خبل لازم است أليله خوام مزوزم

م ببام آیا از طنوابت بهمین حال بودید ؟ شد که ضعف و کما ات شها برطرف کردید ۹ اذیت میکرد ۱ اینه بی ازاطیاء اروبائی یکای کسالعم رفع حالم خوب و برای مزاجم ياستور رفقه يك جبيه ادمالتين كرفقه شروع بنودبت غروع يعوردن أومالين نمائهد كا هبيعه خود را سالم ديده و رفيجور قياشيد - Y - V

آمره اعلان ۲۸۲

باروفن زباون کاره شعبع خوردن دارد

روعن زیتون نازه ماه پیاه برای دوا خانه پاستور وارد میفود و یا مقیار دوآ

خريد فروش - אנוש لندن مكهوبي 11- 40 PF-10 44-44 14-14.00 10- 21-00 ه کلگرانی 40_9. سويس 444-1. 1-- 10 1-40 ابو پرا ¥1_Y0 414. 4100- #110-T.0.0. رويبه بميثى

ندره اعلاق ۲۹۷ - ۱-۳